



د افغانستان اسلامي امارت

رسمي جریده

د چاپ نیټه

(چارشنبه) د ۱۴۲۱ هـ.ق د ربیع الاول د میاشتي شپږویشتمه نیټه

د امتیاز خاوند: د عدلي وزارت

شپږمه ګڼه

پرله پسي نمبر ۷۹۲

د غائبو، ورک شويو، مرتدو، باغي او ذمي اشخاصو
د مالونو او جايدادونو د ساتني د څرنګوالي مقررہ

فرمان مقام امارت اسلامی افغانستان در مورد انفاذ مقررہ طرز حفاظت

اموال و جايداد اشخاص غائب، مفقود، مرتد، باغی و ذمی

شماره: (۱۰)

تاریخ: ۲۲-۳-۱۴۲۱ هـ ق

به اساس تائید رئیس الوزراء امارت اسلامی افغانستان، مقررہ طرز حفاظت اموال و جايداد اشخاص غائب مفقود مرتد، باغی و ذمی را بداخل (۱۱) فصل و (۳۲) ماده توشیح میدارم.

این مقررہ از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

والسلام

خادم اسلام

امیر المؤمنین ملا محمد عمر (مجاهد)

مقرره طرز حفاظت اموال

و جايداد های اشخاص غائب، مفقود، مرتد، باغی و ذمی

فصل اول

احكام عمومی

ماده اول:

این مقرره بتأسی از فتوای شرعی شماره (۵۲۶) مؤرخ ۱۴۲۰/۹/۱۰ ریاست دارالانشاء ستره محکمه امارت اسلامی افغانستان بمنظور تنظیم طرز اجراءات امور مربوط به اموال و جايدادهای اشخاص غائب، مفقود، مرتد، باغی و ذمی وضع گردیده است.

ماده دوم:

اصطلاحات آتی در این مقرره معانی ذیل را دارد:

قیم: شخصی است که از طرف محکمه سرپرست و عهده دار امور غائبین و اشخاص عديم الاهلیت تعیین میگردد.

ودیعه: مالی است که طور امانت نزد کسی گذاشته شده باشد.

فی: مال غنیمت است که از کفار بدون جنگ بدست آید.

مودع: شخصی است که مال نزدش امانت گذاشته باشد.

مکفول له: شخصی است که برای او ضامن (کفیل) گرفته شده باشد.

ذمی: شخصی غیر مسلمانی است که به اساس عهد و پیمان، جان و مال او در امان و پناه مسلمان باشد.

فصل دوم

غائب و مفقود

ماده سوم:

(۱) هر گاه شخصی غائب یا مفقود گردد که حیات و وفات او معلوم نباشد، در این حالت محکمه ذیصلاح بالاتر پیشنهاد هیئت بررسی یکنفر را به حیث قیم تعیین مینماید، تا اموال و جایداد غائب یا مفقود را محافظت نماید.

(۲) در صورتیکه خوف هلاک و ضیاع مال یا جایداد شخص غائب یا مفقود متیقن باشد و قیم برای اعمار و محافظت آن مدرک پولی نداشته باشد، مال یا جایداد مذکور به اجازه محکمه ذیصلاح به قیمت مماثل فروخته شده و قیمت آنرا قیم نگهداری می نماید.

(۳) در صورتیکه غائب یا مفقود اولاد صغیر زوجه و والدین ضعیف نفقه خورد داشته باشد قیم میتواند به اجازه محکمه ذیصلاح مال یا جایداد شخص غائب یا مفقود را فروخته برای تهیه نفقه آنها مصرف نماید و در صورتیکه غائب یا مفقود نفقه خور نداشته باشد و خوف هلاک و ضیاع مال یا جایداد او متصور باشد، طبق حکم مندرج فقره (۲) این ماده اجراءات صورت می گیرد.

فصل سوم

مرتد

ماده چهارم:

(۱) شخص مرتد که حیات و وفات او معلوم نباشد، محکمه نمیتواند در مورد اموال و جایداد وی حکم صادر نماید.

(۲) هر گاه شخص مرتد حیات بوده و در دولت های غیراسلامی اقامت داشته باشد و محکمه به الحاق وی به دارال حرب حکم صادر کرده باشد، در قسمت اموال و جایداد او اجراءات ذیل صورت میگیرد:

۱- اموال و جایداد های را که در حالت اسلام کسب کرده باشد، بورثه مسلمین وی منتقل میشود.

۲- اموال و جایداد های را که در حالت ارتداد کسب نموده باشد، فینی شمرده شده متعلق به بیت المال میباشد.

۳- در قسمت تفکیک کسب اموال و جایداد ها در حالت اسلام و ارتداد، وقت عادلانه ضرور و حتمی است، تا حقوق ورثه ضائع نگردد.

(۳) در صورتیکه شخص مرتد بعد از اصدار حکم به الحاق وی به دارال حرب طور مسلمان بوطن عودت نماید، اموالش را که نزد ورثه موجود است، اخذ نموده میتواند، در صورتیکه مرتد به دارال حرب ملحق گردد و محکمه به الحاق وی به دارال حرب نیز حکم صادر نماید، اموال و دیون او با در نظر داشت حکم مندرج فقره (۲) این ماده بورثه مسلمان او انتقال مینماید.

(۴) هر گاه مرتد تائب گردیده و به دارالاسلام مراجعت نماید، در صورتیکه عودت او قبل از اصدار حکم قاضی به الحاق وی به دارالحرب بوده باشد درین حالت حکم مرتد بودن در اموال و جایداد او باطل میباشد و چنان پنداشته میشود که اسلامیت او زائل نشده است.

(۵) ورثه بمقصد این مقررہ بالترتیب عبارت از ذوی الفروض، عصبه و ذوی الارحام میباشند.

فصل چهارم

باغی غائب

ماده پنجم:

در مورد اموال و جایداد های باغی غائب اجراءات ذیل صورت میگیرد:

- ۱- اموال و جایداد ها تحت حفاظت امارت قرار میگیرد.
- ۲- در صورتیکه باغی اسلحه خود را به زمین بگذارد و حالت فتنه از بین برود اموال و جایداد های او برایش مسترد میگردد.
- ۳- اموال سریع الفساد به استیذان محکمه از طرف هیئت بفروش رسانیده میشود.
- ۴- در صورتیکه باغی ورثه صغیر یا ورثه کبیر فقیر داشته و مال یا جایداد تحت تصرف شان باشد، برای آنها جواز دارد که از مال یا جایداد مذکور نفقه خود را تهیه نمایند.
- هر گاه مال یا جایداد تحت تصرف آنها نباشد میتوانند از محکمه مطالبه نفقه خود را نمایند و محکمه نفقه آنها را تعیین مینماید در تعیین نفقه، مطالبه از محکمه شرط است.
- ۵- هر گاه مال یا جایداد باغی غائب نزد مدیون و یا شخص دیگری به ودیعت گذاشته شده باشد و مدیون یا مودع بدون اذن محکمه مال یا جایداد را به ورثه غائب تسلیم نماید ضامن شناخته میشود، در غیر آن ضامن نمیگردد.
- ۶- نفقه محبوسین کبار در حالیکه غنی باشند، بر ذمه غائب نمی باشد.
- ۷- هر گاه باغی بمیرد، مال و جایداد وی بورثه مستحق آن تسلیم کرده میشود.

فصل پنجم

اهل ذمه

ماده ششم:

ذمی که وطن را ترک نموده و نقض عهد وی بمقابل امارت اسلامی ظاهر نگردیده باشد و محکمه به الحاق آن به دارالحرب حکم صادر نکرده باشد، در همه احوال و احکام مانند مرتدین مندرج ماده چهارم این مقرر با آنها معامله میشود.

ماده هفتم:

(۱) عقود مرتدین از قبیل بیع، شراء رهن و سائر عقود موقوف است، هر گاه مرتدین مسلمان شوند، عقود آنها صحیح است و اگر در حال ارتداد بمیرند یا به قتل رسند و یا ملحق به دارالحرب شوند عقود آنها باطل و مدار اعتبار نمی باشد.

(۲) عقود اهل ذمه در همه معاملات مانند عقود مسلمین میباشد، عقود شان صحیح است و در صورت الحاق به دارالحرب حکم به نقض عهدایشان میشود.

فصل ششم

سائر احکام مربوط به غائبین

ماده هشتم:

(۱) هر گاه غائبین به صفات بغاوت، ارتداد ذمی و مفقودیت نباشند و سکونت شان در ممالک دیگر معلوم باشد، امارت در حفظ اموال و جایداد آنها مکلفیت دارد و هنگام خطر ضیاع و هلاک، مال را بفروش رسانیده و پول آنرا در بانک امارتی با اسم همان شخص تحویل و نگهداری نماید و در صورت امکان ارتباط با وی، مال غائب برایش رسانیده شود، هر گاه غائب وارث و وکیل داشته باشد، امارت مال یا جایداد وی را از تصرف وارث یا وکیل او خارج کرده نمیتواند.

(۲) هر گاه شخص غائب قبل از غیابتش شخصی را وکیل تعیین نموده باشد، متصرف اموال و جایداد غائب همان وکیل وی شناخته میشود.

ماده نهم:

(۱) هر گاه یتیم همراه اولیای خود غائب گردد، حکم در مورد مال وی با سائر غائبین یکسان میباشد. در صورتیکه یتیم همراه اولیای خود نباشد، محکمه شخصی را به حیث وصی تعیین مینماید، وصی مکلف است مال یتیم را محافظت نماید.

(۲) در مال یا جایداد یتیم هیچکس خود سرانه تصرف کرده نمیتواند، در صورت خطر ضیاع و هلاک، اموال به امر محکمه ذیصلاح فروخته شده و پول آن را وصی محافظت کند.

ماده دهم:

اموال وقفی اشخاص غائب تحت شرایط ذیل از ملک واقف خارج میگردد:

- ۱- در صورتیکه وقف برای مسجد جدا (افراز) شده باشد.
- ۲- در صورتیکه محکمه به وقفی بودن آن حکم نموده باشد.
- ۳- در صورتیکه وقف مال، به موت واقف معلق باشد.
- ۴- در صورتیکه انفاذ وقف به بعد از وفات طور دائمی موکول شده باشد.

ماده یازدهم:

(۱) محکمه نمیتواند از عوائد اموال و جایداد غائب برای قرض دارانش، ولو که مدعی به حجت، دین خود را ثابت نماید قرض را بپردازد، زیرا این قضاء بر غائب است و قضاء بر غائب جواز ندارد، مگر در پنج مسئله ذیل:

- ۱- خرید بالخیار و بعداً مشتری خود را متواری سازد.
- ۲- مکفول له خود را مخفی سازد.
- ۳- در صورتیکه مدعی علیه حلف نماید که دین را امروز تسلیم مینمایم، اما دائن خود را غائب سازد.
- ۴- هر گاه زوج شرط نماید، در صورتیکه نفقه را برای زوجه نپردازد، اختیار نفس زوجه را برای خودش بسپارد و زوجه خود را غائب نماید.
- ۵- در صورتیکه مدعی خود را متواری سازد.

(۲) محکمه بمنظور نفقه واجب بر ذمه غائب اموال یا جایداد او را فروخته نمیتواند.

ماده دوازدهم:

اسباب حکم قضاء را چهار چیز تشکیل میدهد.

- ۱- شهادت دو نفر مسلمان عاقل، بالغ عادل و غیر محدود فی القذف.
- ۲- اقرار شخص عاقل و بالغ.
- ۳- نکول مدعی علیه از یمین.
- ۴- یمین مدعی علیه.

ماده سیزدهم:

اموال و جایداد غائب در صورتیکه تحت حفاظت قرار گیرد، به اجاره کمتر از اجر مثل جواز ندارد.

ماده چهاردهم:

هر گاه در یک موضوع فتوای شرعی مطابق مذهب حنفی (رح) موجود باشد و محاکم به استناد آن فیصله صادر نماید، این حکم از طرف هیچ اداره ئی مورد اعتراض قرار گرفته نمیتواند.

ماده پانزدهم:

هر گاه برای هیئت مندرج ماده شانزدهم این مقرر، صلاحیت قضائی فیصله دعوی و سمع شهود از طرف مقام امارت اعطأ شده باشد هیئت بررسی منازل میتواند دعوی مربوط را مطابق احکام شریعت فیصله نماید، در غیر آن بجز از قضأ هیچ مرجع حق قضاوت و اصدار فیصله را ندارد.

فصل هفتم

نحوه اجراءات

ماده شانزدهم:

(۱) بمنظور تطبیق اجراءات مندرج احکام این مقرر در مرکز و ولایات هئیتی بررسی و طرز تحت حفاظت قرار دادن امور مربوط به اموال و جایداد اشخاص غائب مفقود، مرتد باغی و ذمی و طرز تحت حفاظت قراردادن آن به ترکیب ذیل تعیین میگردد:

الف- در مرکز:

۱- نماینده با صلاحیت، امین و با تجربه ریاست عمومی اداره امور امارت اسلامی بحیث رئیس.

۲- نماینده با صلاحیت ریاست قضایای امارت و وزارت عدلیه بحیث معاون.

۳- نماینده با صلاحیت شاروالی بحیث عضو.

۴- نماینده با صلاحیت وزارت زراعت و مالدارى بحیث عضو.

۵- نماینده با صلاحیت وزارت امور داخله بحیث عضو.

ب- در ولایات:

۱- رئیس قضایای امارت بحیث رئیس.

۲- نماینده با صلاحیت مقام ولایت بحیث عضو.

۳- نماینده با صلاحیت شاروالی بحیث عضو.

۴- نماینده با صلاحیت ریاست زراعت بحیث عضو.

۵- نماینده با صلاحیت قوماندانی امنیه بحیث عضو.

(۲) ولایاتیکه در تشکیل خود اداره قضایای امارت نداشته باشد، رئیس خرنوالی مرافعه ولایت بحیث رئیس هیئت، وظائف مندرج این مقرر را اجرا مینماید.

ماده هفدهم:

(۱) وکالت خط های شرعی و قانونی با داشتن شرایط ذیل مدار اعتبار مییابد.

۱- در محاکم کشور ترتیب شده باشد.

۲- دارای ثبت محفوظ قضا باشد.

۳- در خارج از کشور در نماینده گی رسمی امارت اسلامی ترتیب شده باشد.

(۲) وکالت خط هائیکه در خارج ترتیب میشود با داشتن شرایط ذیل مدار اعتبار مییابد:

۱- ترتیب کننده وکالت خط، نماینده گی سیاسی یا قونسلگری امارت اسلامی باشد.

۲- وکالت خط ترتیب شده از طرف وزارت امور خارجه امارت اسلامی تأیید و تصدیق شده باشد.

۳- در وکالت خط احکام شرعی رعایت شده باشد.

ماده هجدهم:

(۱) بمقصد روشن شدن حقایق مربوط به اموال و جایداد های اشخاص مندرج این مقرر هیئت میتواند از مراجع ذیربط و شهود معلومات همه جانبه را مطالبه و حل مطلب نماید.

(۲) هر گاه در جریان بررسی واضح گردد که سند ملکیت مالک مدار اعتبار مییابد، هیئت تصمیم خود را ذریعه ورقه رسمی برای مالک یا وکیل شرعی و قانونی وی ابلاغ مینماید.

فصل هشتم

طرز اجاره دادن جایداد های تحت حفاظت

ماده نهم:

(۱) هیئت مکلف است بعد از جمع آوری معلومات جریان تحت حفاظت قرار دادن جایداد را جهت اخذ تجویز به محکمه مربوط پیشنهاد نماید.

(۲) هیئت بعد از اخذ تجویز محکمه جایداد تحت حفاظت را در مرکز تحت نظر ریاست عمومی اداره امور و در ولایات تحت نظر والی، ضمن عقد قرارداد برای مستحقین به کرایه یا اجاره میدهد.

(۳) توضیح شهرت مکمل مستأجر (مستحق) و وظیفه وی در متن قرارداد حتمی است.

ماده بیستم:

(۱) وجوه کرایه یا اجاره طبق تعامل ذریعه تعرفه خط هیئت توسط مستأجر (مستحق) بحساب امانت بانکی به اسم همان شخص که به همین منظور در د افغانستان بانک افتتاح گردیده است تحویل و رسید آنرا به هیئت تسلیم مینماید.

(۲) وجوه مندرج فقره (۱) این ماده صرف بدرخواست مالک یا ممثل قانونی وی که بهمین منظور تعیین گردیده باشد، در مرکز به استیذان ریاست عمومی اداره امور و در ولایات به استیذان والی به اساس معرفی هیئت مطابق تعامل بانکی پرداخته میشود.

ماده بیست و یکم:

هیئت مکلف است در مرکز به استیذان ریاست عمومی اداره امور و در ولایات به استیذان والی، منازل تحت حفاظت را برای یکسال و جایداد های مذکور را طبق احکام اسناد تقنینی به اجاره بدهد.

ماده بیست دوم:

(۱) هیئت مکلف است تمام اجناس و لوازم نصب شده و غیر نصب شده، درختان میوه دار و بی میوه منزل یا جایداد را که تحت حفاظت قرار میگیرد، به محضر هیئت منتخب و مستأجر (مستحق) درج فهرست نموده اجناس و لوازم مذکور را در یک اتاق جابجا نموده و یک نقل فهرست را به مستأجر و نقل دومی را به هیئت و نقل سومی را به مراجع امنیتی مربوط رسماً بسپارد.

(۲) اموال سریع الفساد یا اینکه با گذشت زمان خاصیت خود را از دست میدهد به پیشنهاد هیئت و امر محکمه تحت نظر هیئت منتخب به فروش رسیده وجوه آن توسط تعرفه هیئت بحساب امانت بانکی به اسم مالک تحویل میگردد.

فصل نهم

مکلفیت های مستأجر (مستحق)

ماده بیست و سوم:

مستأجر به رعایت نکات ذیل مکلف میباشد:

- ۱- حفاظت اموال یا جایداد، قسمیکه تسلیم گردیده است.
- ۲- نگهداری اجناس فهرست شده مربوط منزل یا جایداد.
- ۳- تحویل محصول برق.
- ۴- تحویل محصول آب نل.
- ۵- تحویل محصول حفظ و مراقبت.
- ۶- تحویل محصول صفائی.
- ۷- تحویل مالیه جایداد.
- ۸- سائر مکلفیت هائیکه در متن قرار داد پیشبینی میگردد.

ماده بیست و چهارم:

مستأجر مکلف است حین تسلیم دهی منزل یا جایداد به هیئت یا مالک طوریکه آنرا تسلیم گردیده بود، یکجا با کتابچه برق، رسیدات تحویلی آن نل، حفظ و مراقبت تسلیم نموده، رسید فراغت اخذ نماید.

ماده بیست و پنجم:

- (۱) مستأجر نمیتواند که منزل را به شخص دیگری به کرایه بدهد.
- (۲) هر گاه ثابت شود که مستأجر منزل را برای شخص دیگری به کرایه داده است قرار داد فسخ و منزل با کرایه مزاد مسترد میشود.
- (۳) هر گاه مستأجر بدون اطلاع به هیئت منزل یا جایداد را ترک مینماید، مسؤل جبران خساره وارده میباشد.
- (۴) مستأجر نمیتواند وجوه کرایه یا اجاره منزل و جایداد را اضافه از دو ماه تأخیر نماید. در صورت عدم ایفای تعهد بوقت و زمانش قرار داد فسخ گردیده، مستأجر مجبور به تحویلی باقی داری ذمت اش میباشد.

فصل دهم

رفع حفاظت

ماده بیست و ششم:

آنچه منزل یا جایداد هائیکه باستیدان محکمه رفع حفاظت میگردد، تمام کرایه یا اجاره و قیمت اموال فروخته شده یکجا به مالک یا قائم مقام شرعی و قانونی وی مطابق احکام مندرج این مقررده سپرده میشود.

ماده بیست و هفتم:

(۱) هیئت به اساس درخواست مالک یا قائم مقام آن بخاطر رفع حفاظت پیشنهادی در زمینه به محکمه مربوط ارائه مینماید.

(۲) محکمه حد اکثر در مدت دو روز در مورد پیشنهاد هیئت مندرج فقره (۱) این ماده تصمیم خود را اتخاذ و آنرا به هیئت رسماً ابلاغ نماید.

(۳) همزمان با رفع حفاظت، قرارداد منزل فسخ میگردد و در مورد فسخ اجاره جایداد، عرف محل مدار اعتبار میباشد.

فصل یازدهم

احکام نهائی

ماده بیست و هشتم:

موضوعات قابل منازعه بمحکمه مربوط جهت حل و فصل راجع میشود.

ماده بیست و نهم:

تحت حفاظت قرار دادن جایداد مندرج این مقررده و رفع حفاظت آن به اساس پیشنهاد هیئت و تجویز محکمه مربوط صورت میگردد.

ماده سی ام:

جهت تطبیق سالم احکام این مقررده، ادارات امنیتی، استخبارات، شاروالی و سائر مراجع ذیربط مکلف به همکاری با هیئت میباشد.

ماده سی و یکم:

هیئت مندرج این مقررہ مکلف است وظائف محولہ را طور بیطرفانہ، عادلانہ و مسؤلانہ انجام دهند، در صورت تخطی مطابق احکام شریعت مجازات میگیرد.

ماده سی و دوم:

این مقررہ بعد از منظوری نافذ و در جریدہ رسمی نشر گردد و با انفاذ آن مقررہ کمیسیون بررسی منازل و جایدادها کہ توسط حکم (۲۱۲۸) مؤرخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ شورای سرپرست منظور گردیدہ است ملغی شمرده میشود.

ACKU